

در بخشی از کتاب می خوانیم:

بررسی آثار **وسائل ارتباط جمعی** یکی از پیچیده ترین مباحث در آسیب شناسی اجتماعی است. به همین دلیل، بسیاری از جامعه شناسان در درستی نتایج پژوهش هایی از این دست تردید نشان می دهند. امروزه گسترش و توسعه **وسائل ارتباط جمعی** به حدی است که دوران حاضر را **عصر ارتباطات** نامیده اند.

مک لوهان دنیا را با مفهوم **دهکده ای جهانی** می شناسد و لی می گوید **وسائل ارتباط جمعی** دارای چنان قدرتی هستند که می توانند نسلی تازه در تاریخ انسان پدید آورند، نسلی که با نسل های پیشین بسیار متفاوت است. از **اثرات منفی وسائل ارتباط جمعی** معتاد شدن به معنی عام کلمه است. در بسیاری از موارد انسان ها چنان به **رسانه ها** معتاد می شوند و بدان اعتماد می ورزند که در ساعت معین بدان نیاز می یابند. تأخیر یا فقدان، موجبات از بین رفتن تعادل آنان را فراهم می سازد و زمانی که بدان می رسند (مثلاً دستیابی) به روزنامه مورد علاقه، قدرت اندیشه از آن سلب می شود. آنان بدون هیچ تردید یا اندیشه ای نو، یا آموزه آن را می پذیرند. بی شبهه، این فرآیند که با فصاحت ویژه انسان اندیشمند متباین است، موجب می شود که ذهن دچار کرفتی می شود و فرد در جریان حوادث **همچون پر کاهی بر روی، سیلاب و فروشان، نافواسته و بی اراده** به این سو و آن سو کشیده گردد.

دو موضوع در ارتباط با **وسائل ارتباط جمعی** از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛

الف) **امور جنسی**: در مورد مسائل ارتباط جمعی در امور جنسی هنوز تحقیق جامعی صورت نگرفته است؛ زیرا تاثیر آن قابل مشاهده و بالاتر از آن قابل کنترل نیست.

ب) **خشونت و پرفاشگری**: درباره رفتار خشونت آمیز ناشی از **وسائل ارتباط جمعی** پژوهش های زیاد تری انجام شده است. با توجه به فزونی پرفاشگری در جامعه صنعتی و شهری امروزی، برنی برای توجیه این پدیده، **وسائل ارتباط جمعی** را مسئول می دانند زیرا فیلم، مجله، روزنامه، کتاب، تلویزیون، ویدئو، ماهواره و اینترنت حاوی تصاویر و مطالبی است که در آن اشاره به خشونت، تهاجم و خیانت بسیار دیده می شود.